

برقراری آن تا قبل از ۲۵ اکتبر جلوگیری می کردند. میان انقلاب فوریه (سقوط نظام تزاری) و ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ (روی کار آمدن بلشویک ها) چیزی حدود ۹ ماه زمان وجود داشت که در طی آن حکومت موقت (که در طی این مدت با تغییراتی بر سر کار بود) می توانست انتخابات مجلس مؤسسان را عملی سازد. اما حزب های بورژوا و معتدلی (منشویک و اس. ار. آنها این مهم را انجام ندادند. دولت موقت دلایل مختلفی را برای انجام ندادن انتخابات مجلس مؤسسان بهانه می کرد. اول، این دولت بر موقتی بودن خود تاکید می کرد. به همین بهانه نیز از انجام اصلاحات ارضی (که خواست عموم دهقانان بود و برنامه ی اصلی حزب اس. ار. به حساب می آمد) خودداری می کرد. دلیلی می توان گفت که در واقع درست به خاطر نزدیک شدن به زیر بار چنین اصلاحاتی بود که دولت موقت از انجام انتخابات مجلس جلوگیری می کرد. چرا که چنین انتخاباتی می توانست در کل نظام طبقاتی تغییراتی ژرف بوجود آورد و البته دولت موقت خواهان چنین "ممبیتی" نبود. دوم، اگر چنین انتخاباتی شکل می گرفت (در بهار ۱۹۱۷) خیلی عجیب نیست اگر که ادعا شود، نتیجه ی آن به طور یقین به نفع احزاب منشویک و اس. ار. تمام می شد. احزاب بورژوا در این زمان در حال از دست دادن سریع اعتماد مردم نسبت به خود بودند. اما احزاب اس. ار. و منشویک خود حاضر نبودند بار چنین مسئولیتی را قبول کنند و ترجیح می دادند با اتحاد خود با احزاب بورژوا و طایف انقلاب بورژوا - دموکراتیک را به پیش ببرند. اراده برای انجام اصلاحات، اراده برای پیش برد خواست انقلاب و مردم، این آن چیزی بود که احزاب اس. ار. و منشویک دارا نبودند. بنابراین برای دلیل نبود که دولت کرنسکی (که در ماه ژوئیه ۱۹۱۷ بر سر کار آمد) نیز همان سیاست احزاب بورژوازی را در مورد به عقب انداختن انتخابات و اصلاحات ادامه داد. دولت موقت قبل از تظاهرات و شورش ژوئن ۱۹۱۷ زمان انتخابات را معلوم کرد (سپتامبر ۱۹۱۷) اما در ماه اوت، یعنی زمانی که دولت کرنسکی موقت شده بود خود را به طور نسبی تثبیت کند، تاریخ انتخابات را به عقب انداخت و البته در این شرایط هم هیچ گونه تصمیمی وجود نداشت که اصلاً چنین انتخاباتی صورت گیرد. با سرکوب کودتای ژنرال کرنیلوف و

حقایق تاریخی پیرامون انحلال مجلس مؤسسان چه هستند؟  
[نقشی بر "انحلال مجلس مؤسسان" نوشته ی عماد شیوان]

۰۴ روزیبه

مقاله ی آقای عماد شیوان (در کتاب جمعه ها شماره ی ۱۱) بنا به گفته ی خود ایشان بر دو محور اساسی است. ۱- مسأله ی مجلس مؤسسان در دوران آغاز حیات حکومت شوراها و اهمیت آن. ۲- نتوان دادن سانسور بزرگ تاریخی در دوران استالین در رابطه با حقایق تاریخی مربوط به مجلس مؤسسان. درباره ی بخش دوم نوشته ی آقای شیوان اختلافی وجود ندارد و ایشان بخش کوچکی از تعریف های تاریخی دوران استالین را به درستی نشان داده اند. اما در مورد بخش اول مقاله ی ایشان تناقض چند نکته لازم است. این نکته ها را می توان در بخش های زیر تقسیم کرد:

۱) آیا جناح اس. ار. های چپ در دوران حزب اس. ار. دارای اکثریت بودند ؟ معیار سنجش چیست ؟

۲) در ارتباط با سوال های بالا، آیا حکومتی که درست بعد از وقایع ۲۵ اکتبر بر سر کار آمد می توانست ادعای دارا بودن حمایت اکثریت مردم را بکند ؟

۳) آیا پس از انحلال مجلس مؤسسان، از طرف مردم روسیه (شوروی) در حال شکل گیری) عکس العمل چینی و یا گسترده ای شکل گرفت ؟  
۴) اشکال اساسی مجلس مؤسسان از لحاظ متعکس کردن رای مردم در چه بود ؟

پاسخ من به سوال های بالا با پاسخ آقای شیوان متفاوت است و این تفاوت خود موضوع بحثی است که پائین تر به آن خواهم رسید. اما قبل از شروع پاسخ گوئیم می باید یک مورد کوتاهی بر مسأله مجلس مؤسسان قبل از قدرت پانسی بلشویک ها بشود تا روشن گردد که در واقع چه جریاناتی از



تشکیل دولت انقلابی اس. ان. (چپ) و بلشویک ها گفت. در همین رابطه است که 'کار' می نویسد:

'حال، سه روز بعد از انتخابات [مختار انتخابات مجلس مؤسسان است] بخش بزرگ تر حزب [مختار اس. ان. ها] وارد یک ائتلاف با بلشویک ها شده و رسماً از بخش دیگر که دشمنی خود را با بلشویک ها ادامه می داد، انشعاب کرد.' (۲)

و مدوروف می نویسد:

'ولی بعد از یک انتظار طولانی و پر اضطراب، کنگره کار خود را در انستیتو سمولنی و در صبح ۲۱ اکتبر ۱۹۱۷ شروع کرد. معلوم شد که بلشویک ها به یک پیروزی مضاعف دست یافت اند. نه تنها قدرت به دست کمیته ی انقلابی - نظامی شورای پترون گراد افتاد (که توسط بلشویک ها رهبری می شد) بلکه، اکثریت نمایندگان کنگره ی دوم شوراهای یا بلشویک بودند. و یا اس. ان. چپ، یعنی متحدین بلشویک ها.' (۳)

بنابر این انتقادی که آقای شیوان به کورپسکایا می کنند مبنی بر این که تحلیل و ادعای او در مورد اس. ان. های چپ غلط بوده است در واقع درست نیست. یعنی کورپسکایا بدون شک این حق را دارا می بود که با تکیه بر انتخابات و جهت گیری شورای کل روسیه و کنگره ی ان به این نتیجه برسد که نه تنها اس. ان. های چپ بلکه کل حکومتی که جای نشین حکومت موقت شد (یعنی ائتلاف اس. ان. - بلشویک) از حمایت اکثریت مردم روسیه برخوردار است. همانطور که آقای شیوان با تکیه بر انتخابات مجلس مؤسسان عکس این نتیجه گیری را ارائه می دهد. در واقعیت تاریخی در یک زمان دو نتیجه گیری متفاوت را موجب شده اند. نهاده شوران در مقابل نهاده مجلس، یک طرف با استناد به شورا و دیگری با استناد به مجلس سعی می کند حرف خود را ثابت کند. بحث در این جا قدیمی است اما کوشش آقای شیوان برای غلط جلوه دادن استدلال آن هائیس که طرفدار بحث شورا هستند حداقل در جمع روشنفکران ایران کمی جدید به نظر می آید.

(۲) ایسا حکومتی که بعد از انقلاب ۲۵ اکتبر شکل گرفت می توانست ادعای دارا بودن حمایت اکثریت مردم را بکند ؟



قدرت یابن بلشویک ها بود که دولت کرنسکی واقعاً خطر را حس کرد و در جهت انتخابات مجلس مؤسسان دست به اقدام جوی زد (۱).

مختار از فکر حقایق بالا این است که مشخص شود در تحلیل نهایی این تنها بلشویک ها نبودند که به مجلس مؤسسان بها نمی دادند. اهزایی که خود را 'عاشقان سینه چاک' آن نشان می دادند نیز، زمانی که خود بر سر قدرت بودند تشکیل آن را، بیست به مسائل سیاسی روز جلو و عقب می انداختند. اما در مورد سوال هائیس که مطرح شد:

(۱) آیا جناح چپ اس. ان. ها در میان طرفداران خود دارای اکثریت بودند ؟ معیار سنجش چیست ؟

در جواب به این سوال، استدلال آقای شیوان چنین است که بر اساس رای گیری مجلس مؤسسان و این حقیقت که جناح چپ اس. ان. در این مجلس در اقلیت قرار داشت، این جناح در واقع جناح اقلیت این حزب را تشکیل می داده است. در واقع معیار سنجش ایشان (بدون اینکه مشخص کنند) همان انتخابات مجلس است. ایشان حتی به کورپسکایا حمله می کند که گویا او 'حتی طبق مدارک و منابع رسمی خود شوروی و نیز مدارک دیگر اقلیتها می کند' و به غلط حزب اس. ان. های چپ را نماینده ی اکثریت حزب اس. ان. می داند. البته من خوشحال می شوم این مدارک رسمی خود شوروی ها و منابع دیگر را مشاهده کنم و به قول مدوروف نفهم باز شوم. اما تا زمانی که چنین شریطی پیش آید باید بگویم که در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۱۷، شوراهای سرتاسری روسیه تشکیل جلسه می دهد. تشکیل این جلسه از ماه ها پیش مورد مخالفت احزاب اس. ان. راست و منشویک بود. این دو حزب به این بهانه که انتخابات مجلس مؤسسان بزودی برگزار خواهد شد، خواهان این بودند که برگزاری جلسه شوراهای سرتاسری منتفی شود. اما همین احزاب زمانی که در پیاده کردن این نقشه موفق نشدند در انتخابات آن شرکت کردند و البته همان طور که در تاریخ ثبت شده شکست مفتضحانه ای خوردند. به این ترتیب قبل از شروع انتخابات مجلس مؤسسان، شوراهای سرتاسری روسیه با اکثریت قاطع دفاع خود را از ائتلاف بلشویک ها - اس. ان. های چپ اعلام کردند. نتیجه ی این ائتلاف بعد از انتخابات مجلس مؤسسان منجر به

شرکت می نویسد: "در کل کشور مخالفت اساسی چندانی با تصمیم بلشویک ها در انحلال مجلس انجام نگرفت. کوشش برخی از اس. ار. ها در پتروگراد و مسکو برای ساز ماندگی مسلحانه در دفاع از مجلس مؤسسان فوراً سرکوب شد ... (۱) اورارد کار (که حتماً آقای شیوان او را به عنوان يك شوروی شناس و يك محقق عینی گرا قبول دارند و اگر نه از نتایج تحقیق ایشان در مقاله ی خود استفاده نمی کردند) در این زمینه می نویسد:

"عمد اعتراض مردم [يك بار دیگر ثابت کرد که در روسیه برای نهاده ها و اصول دموکراسی بورژوازی هیچ پایگاه محکم و پایه ی گسترده ی مردمی وجود نداشت؛ (۲)

او حتی کار بحث ما را ساده تر می کند و گد زیر را از طرف یکی از رهبران اس. ار. راست در مورد انحلال مجلس می آورد:

"اثر دین عدالتی و بلشویک ها در حق مجلس مؤسسان به خاطر ناراحتی از مجلس مؤسسان تا حد زیادی تقلیل یافت ... مجلس مؤسسان بیشتر از بلشویک ها که آن را منحل کرده بودند مورد سرزنش قرار گرفت؛ (۱)

بنابراین مشخص می شود که مخالفین بلشویک ها در مقطع انحلال مجلس چنان از توده ی مردم جدا شده بودند که در واقع موفق نگشتند اعتراض قابل را در مقابل عمل انحلال مجلس انجام دهند. حتی به اقرار خود آنان مردمی که به نمایندگی آنان رأی داده بودند (و این رأی گیری، نقطه ی اتکاء بسیاری از استدلال های آقای شیوان است) در زمان انحلال مجلس مؤسسان، این مجلس را بیشتر از بلشویک ها که آن را منحل کرده بودند مورد سرزنش قرار دادند.

چرا این مجلس کارش به این جا کشید ؟ چرا مجلس که يك ماه قبل توسط توده ی مردم "انتخاب" شد پس مسا به گورستان تاریخ سپرده شد و از مردم صدایی در دفاع از آن برنیامد ؟ اگر آقای شیوان به جای استدلال های ضعیف، اساس بحث خود را بر حقایق تاریخی موجود استوار می ساخت شاید، ناچار نبودیم این بحث قبیح و واضح را بار دیگر تکرار کنیم. حقیقت این است که عدم دفاع توده ها از مجلس در زمان انحلال آن دلایل عینی دارد. این دلایل چنین اند:

نکر می کنیم با توجه به بحث بالا جواب این سوال نیز معلوم باشد. آقای شیوان معتقدند که حکومت انتظامی بلشویک - اس. ار. (چپ) امولا حکومت يك اقلیت در جامعه روسیه ۱۹۱۷ بوده است. البته خود ایشان قبول دارند که می توان بلشویک ها را رهبر و یا حداقل آن جریان دانست که رأی اکثر کارگران صنعتی را از آن خود ساخت (ص ۱۰۴). اگر چنین باشد و قبول کنیم که طبق نظر "کار" و "مدرف" (یعنی در شوروی شناس معروف و معتبر) نیز نه تنها تحلیل آقای شیوان درست است، بلکه اس. ار. های چپ نیز دارای اکثریت آراء بودند، یعنی اکثریت دهقانان از آنان دفاع می کردند، می توان نتیجه گرفت که دولت بلشویک - اس. ار. می توانست آنها کند که دولتی بر پایه اکثریت است. یعنی این ادعا حداقل چندان هم دور از حقیقت نیست و با توجه به حقایق تاریخی قابل قبول است. البته واضح است که مخالفین این ادعا نیز می توانند در مقابل و با استناد به رأی مجلس مؤسسان عکس این نتیجه را بگیرند. صحبت بر سر این است که هر دو طرف این بحث دلایل محکمی برای اثبات ادعای خود دارند و نه آن طور که آقای شیوان مساله را مطرح می کند که گویا فقط يك طرف بحث (مزاب بورژوا، اس. ار. های راست و منشویک ها) اصولی برخورد می کردند و طرف دیگر از لحاظ تاریخی اصلاً خطا می گفت و تعریف می کرد (اشاره به برخورد ایشان به توشکه ی کروپسکا یا).

(۲) آیا پس از انحلال مجلس مؤسسان، از طرف مردم روسیه (شوروی) عکس العملی جدی و یا گسترده شکل گرفت ؟

آقای شیوان در مورد این سوال می نویسد:

"آن چه که امروز از خواندن منابع رسمی دولت شوروی مستگیر خواننده می شود این مساله است که امولا انحلال مجلس مؤسسان آن قدر ها هم برای وتوده ای انقلابی و ماه های اکتبر مهم نبود." (ص ۱۰۴)

ایشان سپس اشاره می کند که مقارنتی وجود داشته است و البته گسترده هم بوده ولی توسط گارد سرکوب شده است. منبع ایشان البته "مارک فرد" است و نه چیز دیگری چرا که حتی آقای حمید شوکت (که البته هیچ گونه ارادتى نیز به بلشویک ها ندارند) نیز خلاف نظر ایشان را دارد.



است ؟

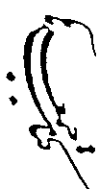
۴) اشکال اساسی مجلس مؤسسان از لحاظ منکس کردن رأی مردم در چه بود ؟

در مورد سؤال آخر می باید توجه شود که طرح انتخابات مجلس مؤسسان قبل از انقلاب اکثر و توسط دولت موقت ریخته شده بود. در این طرح حزب اس. ار. به عنوان يك حزب واحد در انتخابات مطرح می شد. حال آن که چنین حزبی در این مقطع دیگر وجود خارجی نداشت. انضمام و دیارگی در حزب اس. ار. در مقطع انتخابات مجلس مؤسسان دیگر قطعیت یافته بود. وجود این تناقض و تضاد افکار، یعنی دو حزب جدا تحت يك نام، مورد اعتراض جدی قرار نگرفت ولی عدم وجود اعتراض تضاد را حل نکرد. واقعیت چنین شد که جناح چپ حزب که در انتخابات شوراهای سراسری و شوراهای دهقانی (که به عنوان حزبی مستقل شرکت داشت) اکثریت آراء را به دست آورد ولی در انتخابات مجلس مؤسسان در اقلیت افتاد. آردارد کار می نویسد:

«اس. ار. ها به عنوان يك حزب واحد و دارای يك لیست به پای صندوق رأی رفتند. بیانیه انتخاباتی آنان پُر از اصول و اهداف رفیع بود. اما با وجود آن که بعد از انقلاب اکثراً به چاپ رسیده بود، قبل از آن طرح ردیف شده بود و موضع حزب را در مورد آن [انقلاب] روشن نمی ساخت» (۷) و مدرف می نویسد:

«در اواخر سپتامبر [۱۹۱۷] اس. ار. های چپ به عنوان يك جناح مستقل عمل می کردند و تقریباً يك حزب جدا بودند اگر چه انضمام رسماً صورت نگرفته بود. اما در همین زمان بود که لیست نمایندگان انتخابات مجلس مؤسسان تهیه گشت. تهیه لیست نمایندگان تحت نظر و کنترل اس. ار. های راست صورت گرفت که در رهبری حزب دارای کنترل بودند» (۸)

به قول لنین: مردم به حزبی رأی داده بودند که دیگر وجود نداشت. با توجه به این واقعیت بسیار مهم (که کاملاً از نظر آقای شیوان بدور مانده است. انگار که اصلاً وجود نداشت است) آیا دور از حقیقت خواهد بود اگر گفته شود که آراء اکثریت اس. ار. های راست در مجلس مؤسسان بیشتر به



۱) حزب اس. ار. و منشویک ها، دست در دست احزاب بورژوازی، تا

قبل از انقلاب اکثراً ثابت نبودند که حاضر به هیچ گونه اقدامی در راه اصلاحات ریشه ای در جامعه نیستند. حزب اس. ار. حتی تا آن حد پیش رفت که از برنامه ی اصلاحات ارغی خود (که برنامه ای رادیکال بود) گذشت و ترجیح داد سیاست سازش با بورژوازی را به جلو برد. این برنامه بعد ها توسط بلشویک ها تحقق یافت. آنان حتی قادر نبودند به خواست اصلی و اساسی مردم که همان پایان جنگ بود، پاسخ گیرند. این دو حزب با گذشت زمان اعتماد توده ی انقلابی و خواهان تغییرات اجتماعی را از دست دادند (باید توجه داشت که رأی مردم در انتخابات مجلس مؤسسان به حزب اس. ار. که دارای اکثریت آراء نیز شد، در واقع به حزبی بود که دو پاره ی کامل شده بود ولی به عنوان يك حزب يك پارچه در انتخابات شرکت می کرد. پایین تر به این موضوع برخورد کامل خواهد شد).

۲) مجلس مؤسسان که در واقع پس از انتخابات در کنترل احزاب دست بنیاد و خیانت کار مدعی سوسیالیزم بود، در همان روز اول کار خود نشان داد که پیگیرانه خواهان تثبیت يك رژیم بورژوازی و ضد خواست های مردم است. در روز اول کار، مجلس مخالفت خود را با لایحه ی پیشنهادی بلشویک ها نشان داد. این لایحه چه بود ؟ این لایحه که نام آن «اعلامیه حقوق زحمتکشان و استعمار شوندهگان» بود خواهان آن بود که مردمی که کار می کنند و بر وسایل تولید مالکیت ندارند مورد استثمار قرار نگیرند. در جلسه ی مجلس بلشویک ها اعلام کردند که همانطور که انقلاب فرانسه دارای «اعلامیه ی حقوق بشر» بود، انقلاب روسیه نیز می باید «اعلامیه» خاص خود را دارا باشد. اما همانطور که می دانیم مجلس این درخواست را رد کرد. حال می باید پرسید، آیا عوامل بالا نبودند که موجبات سلب الطمیعان از مجلس را در میان توده ها بوجود آورند ؟ مجلسی که امضاء اکثریت آن حاضر به خاتمه ی جنگ نبودند، حاضر به هیچ گونه اقدامی در جهت اصلاحات اجتماعی ریشه ای نبودند، حاضر به بر رسمیت شناختن شوراهای کارگران - دهقانان - سربازان نبودند و بالاخره حاضر به تأیید اعلامیه حقوق زحمتکشان نبودند، پس مورد حمایت مردم نیز قرار نگرفت. آیا جای تعجب

بودند که طرفداران نهادهای شورما در مورد مجلس طرفداران هر دو نهاده از فوریه ۱۹۱۷ تا ژانویه ۱۹۱۸ در این نبرده درگیر بودند. (البته در اشکال مختلف و به شیوه‌های مختلف) و در پایان این درگیری یکی بر دیگری پیروز گشت. بلشویک‌ها تاریخ جنبش کمونیستی اروپا در قرن ۱۹ را به خوبی می‌دانستند. آن‌ها می‌دانستند که در انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، عملکرد مجلس مؤسسان این بود که به قول مارکس: "نتایج انقلاب را تا حد موازنین بورژوازیس پائین کشد" و راه را برای قتل عام کارگران هموار سازد.

با توجه به وجود تضادهای بنیادی میان دو نهاده شورما و مجلس، بحث و استیلاول آقای شیوران (که بنیادش نیز بر تاریخ نگاری غلط و حداقل در یک مورد حذف واقعیتی مهم یعنی دارا بودن اکثریت از طرف اس. ار. های چپ) از زاویه‌ای که ایشان به آن برخورد می‌کنند ضعیف و غیر اصولی است. ایشان به جای اینکه نیروی استیلاول خود را صرف اثبات حقانیت مجلس (و بدیل اجتماعی همراه آن) بکنند، نیروی خود را صرف "پاک" و "پس" اشتباه جلوه دادن طرفداران مجلس مؤسسان و "کج روی" و "انحراف" طرفداران شورما کرده‌اند. نوشته‌ی آقای شیوران که یک بحث تاریخی بلکه بحثی کاملا اینترلوژیک است و به همین دلیل نیز از دیدن برخی از حقایق و کارش درف تاریخی باز می‌ماند.

#### ملاحظات:

(۱) برای تحلیل ذکر شده توجه شود به:

Medvedev, Roy: *The October Revolution*. pp. 104 - 107

Carr, E. H.: *The Bolshevik Revolution 1917*. Vol. 1. p. 111(۲)

(۳) مدورف، ص ۱۰۷

(۴) حمید شوکت: زمینه‌های گذار به نظام تک حزبی در روسیه شوروی ۲۱ - ۱۹۱۷. ص ۱۵

(۵) همان جا ص ۲۰

(۶) کار، ص ۱۱۲

(۷) کار، ص ۱۱۵

(۸) مدورف، ص ۱۱۰

خاطر شرایط خاص و اتفاق بوده است تا سحرآمیزیت آن‌ها در میان توده‌ی دهقان ؟ اصولا به چه دلیل توده‌ی دهقان روس می‌باید رأی اعتماد خود را به این حزب می‌داد ؟ حزبی که حتی حاضر نبود برنامه‌ی آرشی خود را به اجراء گذارد و حاضر نبود بجای جنگ و خرابی را که بیشتر بر دوش دهقانان بود، به پایان رساند و خواهان ادامه‌ی جنگ بود. آیا منطقی نیست اگر گفته شود که بر اس. ار. های راست همانی نباید می‌گذاشت و گذاشت که بر منشیوک‌ها گذاشت ؟ منشیوک‌ها "موفق" شدند در طول نه ماه (از فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷) از یک حزب اکثریت در میان کارگران به یک حزب اقلیت تقلیل یابند و جای خود را به بلشویک‌ها دهند. آیا همین روند در مورد اس. ار. های راست نیز رخ نداد ؟ و بالاخره چطور می‌توان انتخابات مجلس مؤسسانی را که در آن حزب دهقانی اس. ار. (یعنی بزرگترین حزب روسیه در آن مقطع) در حالی که در آن انتمساب بزرگی رخ داده ولی با این حال به عنوان یک حزب واحد در انتخابات شرکت کرده است، دارای اعتبار دانست ؟ این انتخابات را اصولا با هیچ قانون انسانی نمی‌توان دارای اعتبار دانست حال چه بلشویک‌ها با آن موافق بودند چه مخالف.

#### پایان سخن:

به قول اوارارد کار انحلال مجلس مؤسسان موجب شد که: "موضوع شمله و قدرت دوگانه یعنی برخورد میان شورماها و نهادهای نماینده‌ی دموکراسی بورژوازیس، که از قبل از انقلاب فوریه زیاده می‌کشید، بالاخره حل شود" (۸). به نظر من تحلیل "کار" واقع بینانه و از لحاظ تاریخی حقیقی همین است. در انقلاب روسیه و در شرایط انقلابی آن دوران، برای دو نهاده شورما و مجلس بطور هم زمان جای کافی وجود نداشت و اصولا از لحاظ تاریخی تاکنون در هیچ جا وجود نداشت است. یک نهاده بالاخره می‌باید نهاده دیگر را کنار می‌گذاشت. چرا که این دو نماینده دو طرز فکر، دو بدیل اجتماعی و دو راه حل طبقاتی برای انقلاب روسیه بودند. نهاده مجلس و طرفداران آن معتقد در آن میان برداشتن نهاده شورما و طرفداران آن گرفتار